

قفسه آهنگ

«در امتداد اصوات»

از نصف جهان تا همه ایران



● **شرق:** آلبوم تصویری «در امتداد اصوات»، به خوانندگی امیرمسعود امیری، توسط حوزه هنری استان اصفهان در سراسر ایران منتشر شد. در این آلبوم تصویری، که شامل کنسرتی است که آهنگ سازی آن را بابک رجبی و سینا فرزادی پور برعهده داشته‌اند، اشعاری از مولانا، خیام، بیدل دهلوی، خاقانی شروانی، سیاوش کسرایی، احمدرضا احمدی، بهرام اردبیلی، شهرام شاهرختاش و محمد اسحاقی با صدای امیرمسعود امیری، خواننده شده و نوازندگان نیز بابک رجبی، میناق مهربور، سینا فرزادی پور، مهدی زیدی، رسول عشوری، حمید لالی، مهدی افریچه، محمدرضا نامداری‌پور و امیر مختاری بوده‌اند.

امیرمسعود امیری که اجرای آواز را در این کنسرت برعهده داشته، درباره این آلبوم تصویری و همین‌طور پیشنهاد فعالیت‌های خود توضیح می‌دهد: «پیش از کنسرت «در امتداد اصوات»، آلبوم «باغ من و بهار من» را منتشر کرده بودم. این آلبوم از طرف حوزه هنری اصفهان منتشر شده بود و آهنگ‌ساز آن کار، مسعود میرزایی بود و اشعار از حافظ، سعدی، مولانا، وحشی بافقی و محمدرضا طاهری بود. می‌شود گفت اولین آلبومی که کار کردم، همین «باغ من و بهار من» بود. آن آلبوم سال ۱۳۸۷ ضبط شد و در سال ۱۳۹۱ پخش شد.

ممیزی‌های اشعار و عدم همکاری شرکت‌ها باعث شد با تأخیر چندساله پس از ضبط این آلبوم منتشر شود. پس از آن با گروه نوزان، به سرپرستی آقای بابک رجبی در سال ۸۹ کنسرت «در امتداد اصوات» را اجرا کردیم. زمانی که من برای تمرینات «باغ من و بهار من» به اصفهان می‌رفتم، کلاسی هم داشتیم برای تدریس آواز و صداسازی و سه‌تار که در همان روزها با گروه «ادیب» برای ضبط آلبوم هم‌هنگ کرده بودم. یک‌بار سرپرست گروه نوزان از من خواست یکی از شاگردانم را برای آوازخواندن در کنسرتی که داشتند، معرفی کنم که در پاسخ گفتم بد نیست خودم بیایم و ببینم فضای کار به چه صورت است. وقتی سر تمرین‌ها رفتم و دیدم بهچه‌های جوانی که اکثرًا از دانشگاه موسیقی اصفهان هستند، چقدر مستعد هستند، تصمیم گرفتم خودم با گروه همکاری کنم. کار را که شنیدم، واقعا حیرت کردم از انتخاب این رتیم‌ها و دستگاه‌ها و متنوع‌بودنش و همین‌طور از اسم قشنگ کار. بهچه‌های گروه، افرادی با احساس و متین و باشخصیت بودند که همان جلسه اولی که سر تمرین رفتیم بودیم، یکی، دوتا از قطعات را با آنها خواندیم و برای ادامه همکاری ترغیب شدم. به‌ترتیب در لطف خداوند کار را تمرین و آماده کردیم و تیرماه سال ۸۹ این کار در سالن سعدی اصفهان اجرا شد ولی باز به دلیل گیر و گرفتاری‌های اداری و ممیزی‌های شعر، کار طول کشید تا اینکه اخیرا دی‌وی‌دی آن منتشر شد. امیری البته از وضعیت پخش این دی‌وی‌دی راضی‌تر از آلبوم پیشین خود است و می‌گوید: «این دی‌وی‌دی خیلی بهتر از «باغ من و بهار من» پخش شده و امیدوارم این قضیه پخش حل شود تا ما بتوانیم بیشتر کار کنیم».

او درباره بخش‌های مختلف این آلبوم تصویری توضیح می‌دهد: «در امتداد اصوات، از چهار بخش تشکیل شده که شامل دستگاه‌های همایون، شور، چهارگاه و ماهور هستند». «در امتداد اصوات» که نخستین همکاری گروه موسیقی نوزان با امیرمسعود امیری است، هم‌اکنون در همه مراکز عرضه محصولات فرهنگی و موسیقایی در سراسر ایران موجود است.

شرق: «سینما برایم وسیله است، هدف نیست. من این شانس را داشته‌ام که این تریبون را به دست بیاورم و برایم چیزی نیست جز وسیله‌ای برای حرف‌زدن از کسانی که این تریبون را ندارند». رخشان بنی‌اعتماد، کارگردان نام‌آشنای سینمای ایران، صحبت‌هایش را در برنامه «هفت» با این جملات آغاز کرد. او که جمعه‌شب به بهانه اکران فیلم «قصه‌ها» بعد از سال‌ها دوری از تلویزیون، مقابل محمود گبرلو، مجری این برنامه، نشست، بود. در ادامه صحبت‌هایش به جایگاه فیلم‌ساز اجتماعی اشاره کرد و گفت: «فیلم‌سازان زیادی نگاه اجتماعی دارند و از زوایای مختلف به مسائل و شخصیت‌های جامعه نگاه می‌کنند. به نظر من مورد فیلم‌ساز اجتماعی بودن یا شدن نمی‌توان نسخه‌ای پیچید چون عمد و اراده‌ای در کار نیست، مگر اینکه کسی از یک مقطعی سعی کند بهتر ببیند و درک کند». کارگردان «روسری آبی» ادامه داد: «اتهامات و بی‌مروتی‌های زیادی نسبت به فیلم‌ساز اجتماعی صورت می‌گیرد، طبیعی است فیلمی که زبان نقد اجتماعی، گزنده و کنج‌کاو دارد می‌تواند باب طبع دگروه نباشد؛ گروه اول بخشی از مخاطبان که امری بدیهی است، ولی مقابله با سینمای اجتماعی از جانب کسانی است که مسئول پاسخ‌گویی به نقاط مطرح‌شده در فیلم هستند. موضع‌گیری در قبال

سینمای اجتماعی با حوزه‌های دیگر با قضاوت‌های نابجا و دور از واقعیت و اغراق، فضایی را به وجود می‌آورد که باعث جلوگیری از حرف‌زدن گوینده می‌شود». بنی‌اعتماد در بخش دیگر صحبت‌هایش به موضوع سیاه‌نمایی در آثار اجتماعی اشاره کرد و گفت: «در سینمای اجتماعی اگر سیاه‌نمایی به‌معنای نشان‌دادن سیاهی از سفیدی باشد، منتقدان باید استدلال بیاورند که چه چیز سفیدی را سیاه نشان داده‌ام؟! من سیاهی‌ها و تلخی‌ها را می‌بینم، اما سیاه‌بین و تلخ‌بین نیستم. کاراکترهای فیلم‌هایم در اوج تلخی و سیاهی، جوهر پاک انسان‌بودنشان را حفظ می‌کنند. تمامی شخصیت‌هایی که در «قصه‌ها» تعریف شده‌اند، واجد چنین ویژگی‌ای هستند و با شرافت زندگی می‌کنند. من نمی‌توانم امید را با ایستادن چند نفر مقابل پنجره و گرفتن شاخه گل نشان بدهم.

بنی‌اعتماد مقابل دور بین «هفت»:

امیدوارم هیچ فیلمی در کمد باقی نماند

من امید را به‌گونه‌ای دیگر در فیلم‌هایم تصویر می‌کنم. من امید را در چوه انسانی آدم‌ها، مقاومت، مطالبه‌جویی و پایداری می‌دانم». رخشان بنی‌اعتماد در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان به هنرمند اجتماعی و کارهایش اعتماد کرد، گفت: «اگر به نگاه و عقیده مخاطبان احترام گذاشته شود، آنها بهترین داور خواهند بود. درحال‌حاضر وزارت ارشاد به‌عنوان متولی سینما و بنابر مسئولیتی که برعهده دارد، حتما از نیت فیلم‌سازان آگاهی دارد. اگر نگاه بدبینانه‌ای نسبت به فیلم‌سازان وجود داشته باشد، آنها نمی‌توانند از موقعیت خود دفاع و قصد و نیتشان را از کارها ثابت کنند. اگر هرکدام از فیلم‌سازان به‌دنبال پیداکردن پاسخ‌هایی برای رد اتهام به نهادهای موازی حرکت کنند، مشکلات سینما زیادتر خواهد شد. او در مورد فیلم «گیلانه» هم گفت: «گیلانه» ادای احترام من به



فروش ۲۱ میلیاردی چهارمین چراغ تهران

«سهراب»، بازهم میلیارد رشد



عکس: هفت خاکی، بی‌است

مجموعه تنه درختان نیز به قیمت یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان چکش خورد که رقم کمینه آن ۸۰۰ میلیون تومان و بیشینه آن یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان برآورد شده بود. رتبه سوم هم تابلو نقاشی‌ای از منوچهر یکتایی به قیمت ۹۵۰ میلیون تومان شد که با توجه به رقم کمینه ۳۰۰ میلیون تومان کمتر پیش‌بینی می‌شد بتواند جایگاه سوم را به دست بیاورد. نقاشی از طبیعت بی‌جان بهمن محض، با فروش ۷۲۰ میلیون تومان جایگاه چهارم و نقاشی انتزاعی از سهراب سپهری با فروش ۷۰۰ میلیون تومان در جایگاه پنجم قرار گرفت.

تابلو دوقطعه‌ای آیدین آغداشلو ۵۵۰ میلیون تومان، یک چهره قاجاری از کمال‌الملک ۵۰۰ میلیون تومان، مجسمه یادمان شماری یک برای کلمه هیچ از پرویز تاولی ۵۰۰ میلیون تومان، آثاری از حسین زنده‌رودی و نیز علی‌اکبر صادقی هر یک ۴۵۰ میلیون تومان، نقاشی‌هایی از کوروش شیشه‌گران و رضا درخشانی هر یک ۳۶۰ میلیون تومان، اثر عشاق تاولی و نقاشی کوزه فرهاد مشیری هر یک ۳۵۰ میلیون تومان و تابلو «الله» سیدمحمد احصایی ۳۴۰ میلیون تومان، نقاشی انتزاعی‌ای از فریده لاشایی و مسعود عرشاهی هر یک ۳۲۰ میلیون تومان، سه اثر از احصایی، ابوالقاسم سعیدی و درخشانی هر یک ۳۰۰ میلیون تومان چکش خوردند.

در این شب پنج اثر بالای ۲۰۰ میلیون تومان فروخته شدند که شامل یک اثر کلاسیک نقاشی‌خیز از حسن زرین‌قلم به قیمت ۲۶۰ میلیون، نقاشی‌ای از بهجت صدر به قیمت ۲۶۰ میلیون، اثری دیگر از شیشه‌گران به قیمت ۲۴۰ میلیون، یک «هیچ» کوچک استاده تاولی به قیمت ۲۲۰ میلیون تومان و تابلویی از سرشاهی به قیمت ۲۲۰ میلیون تومان بودند. ۲۸ اثر هم بالای صد میلیون تومان به فروش رسیدند. نقاشی ناصر عصار به قیمت ۱۹۰ میلیون،

مادران جانبازان جنگ و تشریک‌کوچکی از آنها بود. فیلم «گیلانه» در زمان خودش فیلم خوبی بود، می‌توان آن را نقد کرد ولی نباید حرمت فیلم‌ساز و بازیگر را نادیده گرفت. بی‌احترامی در مورد خودم را می‌بخشم، اما بی‌حرمتی به «بهرام رادان» را که در آن زمان به‌عنوان یک سوپراسตาร์ شناخته شده بود، هرگز نمی‌بخشم». بنی‌اعتماد درباره جایگاه مردم از نگاه فیلم‌ساز اجتماعی اضافه کرد: «هرگز به آدم‌ها به‌عنوان سوزنه نگاه نمی‌کنم چون آنها خیلی محترمند و این‌گونه نگاه کردن به آدم‌ها جفا نسبت به آنهاست. با آدم‌ها زندگی می‌کنم و از نزدیک با مشکلات آنها آشنا می‌شوم، از دل این نزدیکی و سرگردن‌ها، شخصیتی شکل می‌گیرد که هیچ‌کدام از آنها نیست و درعین‌حال همه آنها و زبانی از موقعیتشان است». او ادامه داد: «یکی از دغدغه‌های من، اکران فیلم «قصه‌ها» بود که انجام شد، به امید اینکه بقیه فیلم‌ها هم اکران شوند. نگاه ممیزی کمی از شرایط دوران معاصر دور است. نمایش فیلم‌های اکران‌نشده، موفقیت یک گروه بر گروه دیگر نیست بلکه تلطیف‌شدن فضااست. امیدوارم همان‌طوری که مسئولیت برعهده وزارت ارشاد است، اختیار در حوزه وظایف وزارت ارشاد نیز تعریف شود و هیچ فیلمی در هیچ کمدی باقی نماند».

جمال بخش‌پور، علیرضا کرمی، فرنزا ربیعی‌جاه، هادی جمالی، جهانگیر شهدادی، لیلا ویسمه، حمید پازوکی، آناه‌محمد تاتاری، احمد محمدپور، آزاده اخلاقی، کوهر دشتی، هادی روشن‌ضمیر، میترا کاویان، مرتضی گودرزی، احمد آریامنش، علی ندایی، حسین صدری، معصومه مظفری، ابراهیم صاحب‌اختیاری و محمد فرنود با قیمتی کمتر از ۵۰ میلیون تومان به فروش رسیدند.

رشد ۲۰ برابری

این دوره یک تفاوت با دوره قبل نیز داشت. در بخشی از چراغ، رضا کیانیان با بیان اینکه یک سورپرایز دارد، از حسین پاکدل، کارگردان تئاتر و مجری سابق صداوسیما، دعوت کرد تا بخش کلاسیک را شامل ۱۲ تابلو چکش بزند. این بخش که از این دوره به چراغ اضافه شده، قرار است در آینده در قالب یک چراغ مستقل برگزار شود. هرچند که به گفته علیرضا سمیع‌آذر، مدیر چراغ تهران، برایی مستقل چراغ آثار کلاسیک نیاز به بسترسازی دارد. او در نشستی که پس از پایان چراغ برگزار شد، گفت: «حتی یک کاری نداریم که آثار سنتی و آکادمیک را در قالب کارهای کلاسیک ارائه کند و این آثار در نمایشگاه‌های دولتی آن هم بدون خریدوفروش عرضه می‌شود. خریده‌ها در این بخش به صورت پنهان و خصوصی است و برای آشکارشدن آن به زمان نیاز داریم». او با بیان اینکه فروش سال گذشته ۱۳ میلیارد تومان بوده است، در مورد افزایش میزان فروش در این دوره گفت: «جمع برآورد کمینه آثار، ۱۱ میلیارد تومان و بیشینه آثار بیش از ۱۵ میلیارد تومان بود درحالی‌که در فروش امشب به ۲۱ میلیارد تومان رسیدیم؛ یعنی ۱۹۰ درصد و اندکی کمتر از دوبرابر چراغ قبلی ۲۰۰ فروش داشتیم. چراغ‌های دیگر در دنیا معمولاً ۱۰ درصد نسبت به دوره‌های قبلی‌شان رشد دارند که میزان رشد چراغ تهران قابل‌توجه است و این بالاترین فروشی است که هنر مدرن ایران در تمام دنیا داشته است». رضا کیانیان در ادامه نشست با انتقاد از نقدهای مطرح‌شده از چراغ تهران عنوان کرد: «در چندجا خواندم که فضای چراغ تهران را تیره و تاریک نشان داده بودند، اما همه‌چیز این چراغ محراب‌بخش است. اینکه پولهایی برای خرید آثار هنری در اروپا و خارج از ایران در داخل کشور باقی می‌ماند، به است؟ عده‌ای سرمایه‌گذار هستند که نمی‌خواهند سوار تورم شوند و با این کار امید در هنرمندان تجسمی زنده و گالری‌ها بیشتر می‌شوند، اما نمی‌دانم چرا عده‌ای از این کار ناراحت هستند». پاکدل، دیگر سخنران نشست بود که ضمن تأیید حرف‌های کیانیان درباره نخستین تجربه اجرای چراغ گفت: «پایین که نشسته بودم، رضا کیانیان را با همه سال‌های بازیگری‌اش در ایفای یک نقش بزرگ دیدم. او توانسته بود با مهارت بسیار ویژه‌ای انبوه جمع حاضر را با خود همراه کند و من خوشحالم که در یک نمایش بزرگ و فاخر یک نقش کوچک ایفا کردم».

واحد خاکیان، نقاش

این اتفاق بی‌سابقه است

نظرم همیشه درباره چراغ‌ها مثبت بوده. هر اتفاق اقتصادی در زمینه هنرهای تجسمی عالی است. دو گروه را در این بین تحسین می‌کنم؛ نخست کسانی را که برگزارکننده این چراغ هستند و سپس هرکس که اثری می‌خرد. این چراغ غیرمستقیم، بر روال کار هنرمندان جوان هم اثر می‌گذارد. وقتی جوان‌ها بدانند خریداری برای آثارشان وجود دارد و سرمایه‌ای هست که صرف هنر می‌شود، دلگرم می‌شوند و انگیزه و تلاشی چندبرابر، صرف پیشرفت می‌کنند. من متعلق به نسلی هستم که از چهل‌چندسال پیش با بازار هنر این مرزوبوم آشناست. امروزه می‌بینم اتفاقی که در زمینه سرمایه‌گذاری برای هنرهای تجسمی می‌افتد، هرگز در سال‌های پیش و پس از انقلاب نیفتاده و بی‌سابقه است.

ایرج اسکندری، نقاش

خوشبین نیستم

چندان به چراغ تهران خوشبین نیستم. احساس می‌کنم جمعیتی آن را برگزار می‌کند که دادوستدشان در نهایت نفعی برای هنر ایران ندارد. انکار در این چراغ فقط برنامه‌ریزی شده یک جمعی سود آثر را ببرند و برگزاری آن نه ربطی به هنرمند دارد و نه اثر را بر اقتصاد هنر، سودش را همان جماعتی می‌برد که آثار را خریدوفروش می‌کنند. هنرمند‌ها از پولی که ردوبدل می‌شود منتفع نمی‌شوند. به‌نظر می‌رسد برگزاری این چراغ در انحصار عده‌ای افتاده که فقط به‌نفع خودشان کار می‌کنند و هنرمندان به نظر بنده در این میان بازیچه‌اند. در نهایت آنها که خالق اثرند در این بین هیچ سودی نمی‌برند.



پرویز تاولی، مجسمه‌ساز

همیشه به آن نیاز داشتیم

برگزاری چراغ تهران را مثبت می‌دانم. ایران همیشه به برگزاری یک چراغ هنر معاصر نیاز داشت. چراغ‌ها، قیمت آثار هنرمندان را مطابق تقاضای روز تعیین می‌کنند و مبنایی می‌شوند برای فروش آثار هنرمندان که هم گالری‌ها و هم مجموعه‌داران با توجه به آن آثار سرمایه‌گذاری می‌کنند. در همه جای دنیا، برگزاری چراغ‌های هنری مرسوم است و ما در ایران سال‌ها چنین چیزی را کم داشتیم و برای فروش آثار ایرانی، صرفاً به چراغ‌های هنری خارج از کشور که دور از دسترس هنرمندان بود، اتکا می‌کردیم. به‌طورکلی چراغ‌ها علاوه بر تعیین قیمت آثار، اقتصاد هنر را نیز قرص و محکم می‌کند.



هنر و تجربه

Art & Experience Cinema
www.aecinema.ir

برنامه سینمایی‌های پردیس سینمایی فرهنگ پردیس سینمایی کورش خانه هنرمندان موزه سینما پردیس سینمایی هوزر (مشهد) تالار سینمایی سوره (اصفهان) کاپری (گرانگ) ساحل (اوار)

با عضویت در سایت aecinema.ir و خریدن بلیط اینترنتی فیلم‌های سینمایی هنر و تجربه می‌توانید تخفیف ۳۰ درصدی در خریدهای بعدی بلیط سینماها استفاده نمایید.

پرویز تاولی، مجسمه‌ساز

همیشه به آن نیاز داشتیم

برگزاری چراغ تهران را مثبت می‌دانم. ایران همیشه به برگزاری یک چراغ هنر معاصر نیاز داشت. چراغ‌ها، قیمت آثار هنرمندان را مطابق تقاضای روز تعیین می‌کنند و مبنایی می‌شوند برای فروش آثار هنرمندان که هم گالری‌ها و هم مجموعه‌داران با توجه به آن آثار سرمایه‌گذاری می‌کنند. در همه جای دنیا، برگزاری چراغ‌های هنری مرسوم است و ما در ایران سال‌ها چنین چیزی را کم داشتیم و برای فروش آثار ایرانی، صرفاً به چراغ‌های هنری خارج از کشور که دور از دسترس هنرمندان بود، اتکا می‌کردیم. به‌طورکلی چراغ‌ها علاوه بر تعیین قیمت آثار، اقتصاد هنر را نیز قرص و محکم می‌کند.

چهره روز

نمایشگاه مشترک نغمه ثمینی و پیام فروتن



● **شرق:** نغمه ثمینی و پیام فروتن عکس‌های خود را از دانشکده «دراما»، دانشگاه واشنگتن، به‌نمایش می‌گذارند. این نمایشگاه قرار است از امروز یکشنبه، ۱۰ خرداد، به‌مدت سه‌روز در نگارخانه پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در معرض دید علاقه‌مندان به تئاتر دانشگاهی قرار بگیرد. پیام فروتن و نغمه ثمینی در این رابطه اظهار امیدواری کرده‌اند که برگزاری این نمایشگاه بتواند زمینه‌ساز تبادلان علمی، هنری و پژوهشی میان دو دانشکده باشد و بتواند در ارتقای تئاتر دانشگاهی کشور مؤثر واقع شود. ۱۵ تصویر این نمایشگاه که حاوی فضاهای عمومی دانشگاه واشنگتن، دانشکده دراما، کلاس‌های درس، کارگاه‌ها و استودیوها و سالن‌های اجراست، با همکاری و مساعدت پروفیسور اودای جانسون، مدیر دوره دکترای تئاتر دانشکده دراما، تهیه شده. گفتنی است دانشگاه واشنگتن در آخرین رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان، مقام پانزدهم را کسب کرده.

ساعت بازدید از نمایشگاه «گذری بر دانشکده دراما» دانشگاه واشنگتن»: از ۱۰ صبح تا پنج بعدازظهر بوده و ورود برای تمامی علاقه‌مندان از در خیابان ۱۶آذر دانشگاه تهران آزاد است.

یادداشت روز

پیشامد مبارک



محمد احصایی نقاش و گرافیکست

● تأثیر اصلی چراغ تهران، نه بر اقتصاد هنر که بر رونق‌بخشیدن به دادوستدهای هنری است. دادوستدهایی که نهایتاً فعال‌شدن بازار خریدوفروش آثار هنرمندان را در پی دارد. این چراغ سبب می‌شود افراد جامعه به هنر توجه کنند. عده‌ای که در فراغت مالی زندگی می‌کنند و توجه به هنر و زیبایی هم دارند و هنر در زندگی عادی‌شان دخالت می‌کند، به واسطه چراغ می‌توانند به آثار هنری دسترسی داشته باشند. افراد پس از مدتی با عرضه آثار هنری یا با دادوستد آنها، متوجه لزوم زیبایی در زندگی می‌شوند. اگرچه من گمان می‌کنم در رویدادهایی مثل چراغ تهران، نیاز فرهنگی اندکی بر بُعد دادوستد سایه انداخته است. درهرحال این چراغ، پیشامد مبارکی است، حتی اگر سهمش در ترویج فرهنگ، اندک باشد. چنین رویدادی در درآمدت به تعالی بخشیدن شکل زندگی افراد و توجه به زیبایی و هنر کمک می‌کند و سواد بصری را بیشتر می‌کند. چنین اتفاقی، حتی بر قرمه‌سبزی درست‌کردن خانم خانه هم تأثیر دارد، حتی بر دادوستد کسی که آهن‌فروشی هم می‌کند؛ حتی بر چیدمان داروهای یک داروخانه‌دار؛ چراکه آغشته‌شدن محیط اطراف به هنر، سلیقه عمومی را بالا می‌برد.

ارزش کم‌پول و ارزش زیاد هنر



پروانه اعتمادی نقاش

● هروقت در جهان ارزش پول کم شود ارزش هنر بالا می‌رود. در همه دوران تاریخی شاهد بوده‌ایم وقتی دلار، یورو یا ریال کم‌ارزش می‌شود، هنر ارزش بسیار می‌یابد. یکی از دلایل این است که آثار هنری در همه جای جهان از مالیات معاف هستند، بنابراین وسیله خوبی برای پول‌شویی هستند؛ چون مالیات بانکی به پولی که برای هنر پرداخت می‌شود، تعلق نمی‌گیرد. ضمناً برگزاری چراغ باعث می‌شود مردم به‌همند فقط زمین خریدن و ساختمان‌ساختن نیست که پول‌ساز است و این باعث می‌شود روی آثار هنری هم سرمایه‌گذاری کنند. زمانی که ارزش هنر پایین بود، اثری بیش از هزار یا ده هزار فروخته نمی‌شد. باید اینس چراغ‌ها برگزار شوند تا مردم متوجه شوند می‌توانند پوششان را هم در بازار هنر سرمایه‌گذاری کنند و با این چراغ‌ها، چنین چیزی به مردم آموزش داده می‌شود و سال‌به‌سال هم از آن استقبال بیشتری خواهد شد. خوشحالم که چراغ‌ها به یادمان آورده‌اند که هنرمندان ارزش کاری را که برعهده‌شان گذاشته شده دریابند.